



مقصد نامه، موضوع جالبی برای گفتگو است. از آنجا که این نامه خطاب به یهودیان و غیریهودیان نوشته شده است، همیشه این سوال مطرح بوده است که آیا این نامه به طور خاص خطاب به افسس نوشته شده است یا خطاب به مناطق اطراف افسس؟ احتمال این موضوع بسیار زیاد است و ما این نامه را بیشتر به عنوان نامه‌ای که خطاب به افسس و منطقه وسیع‌تر نوشته شده است، مورد بحث قرار خواهیم داد. پولس ماه پس از اقامتش در قرنتس به افسس آمده بود ۱۸.

همچنان که به آمدن پولس به این شهر، کار کردن در این شهر و بعدها نوشتن به این شهر می‌پردازیم، خوب است شما را به منطقه‌ای که در موردش صحبت می‌کنیم بفرستیم. ما داریم در مورد افسس همین‌جا صحبت می‌کنیم. به یاد داشته باشید، افسس درست همین‌جا، در ساحلش قرار دارد.

این یک شهر بندری است. برخلاف کولسی که ۱۲۰ مایل دورتر بود، کولسی در خشکی قرار داشت. افسس یک شهر بندری بود.

توجه شما را به این واقعیت جلب می‌کنم که این شهر، یک شهر بندری بزرگ و برجسته بود. سپس افسس به بندری تأمین‌کننده برای انواع مکان‌های اطراف تبدیل شد. بنابراین، به تجارت، بازرگانی و انواع فعالیت‌هایی که در افسس اتفاق می‌افتاد، فکر کنید.

بیاید به موضوع نویسنده بپردازیم. چه کسی افسسیان را نوشته است؟ اکثر محققان انجیلی استدلال می‌کنند که پولس، همانطور که در ابتدای نامه آمده است، افسسیان را نوشته است. اما باید بگوییم که هیچ یک از محققانی که این استدلال را مطرح می‌کنند، از جمله خودم، در واقع تا آنجا پیش نمی‌روند که استدلال مخالفان این دیدگاه را رد کنند.

ما معمولاً پس از ارزیابی شواهد و استدلال‌های مخالف موضع خود، به این نتیجه می‌رسیم که پولس این نامه را نوشته است. این به معنای سلب مسئولیت است و می‌گوید که من به عنوان یک محقق انجیلی به این نامه می‌نگرم. شما می‌خواهید بدانید که پدران رسولی از نویسندگی پولس حمایت کرده‌اند.

کلمنت رومی، ایگناتیوس، هامان، پولیکارپ، که اسقف اسمیرنا بود، ایرنائوس، کلمنت اسکندریه و ترتولیان، همگی از این نامه به عنوان نامه‌ای نوشته شده توسط سنت پولس یاد می‌کنند. با این حال، شاید حدود دویست تا سیصد سال پیش، بحث در مورد اینکه آیا واقعاً باید نوشته پولس را پذیرفت یا خیر، آغاز شد. و محققانی که این مشاهدات را انجام دادند، سه حوزه کلیدی را به عنوان اساس این استدلال برجسته کردند.

یکی واژگان است. آنها استدلال می‌کنند که برخی کلمات در افسسیان وجود دارد که در هیچ جای دیگر نامه‌های پولس نیامده است. و به همین دلیل، پولس نمی‌توانسته این را نوشته باشد.

کسی که واژگانی متفاوت از واژگان پولس را انتخاب کرده، رساله افسسیان را نوشته است. استدلال خوبی بود؟ به اندازه کافی خوب نبود. ممکن است تعجب کنید که اگر از استدلال واژگان استفاده کنید، واژگان زیادی در نامه‌هایی مانند فیلیپیان وجود دارد که پولس از آنها استفاده کرده است و در جای دیگری استفاده نمی‌کند.

و با این حال، نویسنده بودن پولس مورد بحث نیست. اما این موضوع به بخش عمده‌ای از بحث در مورد نویسنده بودن پولس در افسسیان تبدیل شده است. دومین حوزه‌ای که این محققان به آن استناد می‌کنند، سبک نگارش است.

و به زودی بیشتر به این موضوع اشاره خواهم کرد. آنها همچنین به الهیات نامه می‌پردازند. الهیات نامه با بسیاری از چارچوب‌های الهیاتی پولس در نامه‌های دیگر تفاوت قابل توجهی دارد.

بخشی از آن، بله. بخشی، خیر. پولس در مورد نجات از طریق فیض صحبت می‌کند.

پولس درباره پر شدن از روح القدس صحبت می‌کند. چارچوب اخلاقی، فضایل و رذایل موجود در افسسیان هیچ تفاوتی با فضایل و رذایلی که مثلاً در رومیان یافت می‌شود، ندارد. نحوه صحبت پولس در مورد عطایا نیز تفاوت چندانی با آنچه مثلاً در رومیان یافت می‌شود، ندارد.

فضایل و رذایل او چندان تفاوتی با آنچه در رومیان یا غلاطیان می‌بینیم، ندارد. اما در مورد آن فکر کنید برخی خواهند گفت که اگر پولس افسسیان را نوشته باشد، به دنبال کلمات خاصی بوده‌اند که پولس آنها را نوشته باشد.

پولس از آن کلمات استفاده نکرد، بنابراین آنها را ننوشته است. من این را می‌پذیرم و می‌گویم که منطقی است. چیزی که در مورد آن مطمئن نیستم این است که آیا می‌توانم بگویم که انتظار داشتم پولس در را بنویسد یا خیر XYZ نامه‌ای که ۲۰۰۰ سال پیش می‌نوشت، واژگان

و اگر او آن کلماتی را که من می‌خواستم بنویسد، ننوشته باشد، من از این بابت بسیار معذب هستم. و می‌توانم بگویم که باور نمی‌کنم که او این کار را کرده باشد. می‌خواهم این مثال را بزنم.

شاید این به شما در درک این موضوع کمک کند. من در غنا بزرگ شدم. انگلیسی زبان اول من نیست.

در واقع، وقتی انگلیسی یاد می‌گرفتم، انگلیسی زبان سوم من بود. برای فهمیدن این زبان، یعنی انگلیسی، تقلا می‌کردم. به لطف خدا، از طریق تحصیل می‌توانستم ادعا کنم که کمی انگلیسی می‌دانم، هرچند با لهجه‌ای عجیب.

وقتی در غنا هستم و می‌نویسم، که سرزمین مادری من است، متوجه می‌شوم که سبک نوشتاری‌ام متفاوت است. واژگانی که استفاده می‌کنم بسیار تحت تأثیر نحوه ترجمه تحت‌اللفظی برخی از کلمات از زبان مادری‌ام است. به انگلیسی است. وقتی به خانه برمی‌گردم، به زبان مادری‌ام خواب می‌بینم.

بنابراین، وقتی انگلیسی می‌نویسم، واقعاً برایم آشکار است که شیوه‌ی نوشتنم متفاوت است. من در جاهای زیادی زندگی کرده‌ام، از جمله انگلستان. وقتی در انگلستان بودم، متوجه شدم که متفاوت می‌نویسم.

من از عبارات خاصی استفاده می‌کنم. من از زبان‌های خاصی استفاده می‌کنم. خیلی زود متوجه شدم که آمدن به ایالات متحده باعث شده از زبان‌های اطرافم هم استفاده کنم.

من از واژگانی استفاده می‌کنم که می‌شنوم و به کار می‌برم، با آنها تعامل می‌کنم، به چیزها اشاره می‌کنم، به چیزهایی که به آنها اشاره می‌کنم و حتی نحوه‌ی نامگذاری چیزهایی که به آنها اشاره می‌کنیم. وقتی به ایالات متحده آمدم، فهمیدم که با اینکه فکر می‌کردم انگلیسی بریتانیایی را می‌دانم، انگلیسی بریتانیایی و انگلیسی آمریکایی یکی نیستند. منظورم از گفتن این حرف این است که منظور خاصی دارم.

حتی با وجود آدم‌های عجیب و غریبی مثل خودم، متوجه می‌شوم که محیط اطرافم، واژگانی را که در نوشته‌هایم استفاده می‌کنم، شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، محیط اطرافم بر الگوی فکری من تأثیر می‌گذارد که بعداً در نوشته‌هایم منتقل می‌شود. اگر برای یک دقیقه به آنچه می‌گویم فکر کنید و بگویید که منطقی

است، آیا منطقی نیست که پولس بسته به نوع نامه‌ای که می‌نویسد، نوع افرادی که برایش می‌نویسد، مکانی که از آنجا می‌نویسد، و محل نگارش، از واژگان متفاوتی استفاده کند؟ مثلاً افسس و منطقه افسس و کولسیه خیلی از هم دور نیستند.

بنابراین، بسیاری از واژگانی که ما در افسسیان به کار می‌بریم، در کولسیان کاملاً متفاوت هستند. آیا این امکان وجود ندارد که موقعیت مکانی خاص او و درک او از خوانندگانش بر نحوه ارتباط او با آنها تأثیر گذاشته باشد؟ من قطعاً روزانه به مکان‌های زیادی پیامک ارسال می‌کنم. حالا، خدا را شکر که واتس‌آپ وجود دارد.

من از طریق واتس‌آپ به آن سوی اقیانوس اطلس پیام می‌فرستم. تقریباً هر روز، زبانی که استفاده می‌کنم اصطلاحات انگلیسی، بعضی از آنها برای دوستان آمریکایی‌ام معنی ندارد. آن دوستان آنجا منظورم را فهمیدند.

و آنها همیشه خواهند فهمید زیرا ما با زبانی ارتباط برقرار می‌کنیم که آنها می‌فهمند، و من نیز آن را می‌فهمم. واژگان به عنوان یک مسئله، سبک به عنوان یک مسئله، و الهیات به عنوان یک مسئله به عنوان حوزه‌های کلیدی برای بررسی و بحث در مورد نویسندگی پولس ذکر شده‌اند. برخی حتی پا را فراتر گذاشته و گفته‌اند که شباهت‌های نامه و کولسیان گواهی بر این است که کسی کولسیان را انتخاب کرده است.

با توجه به رساله کولسیان، از زبان و چارچوب الهیاتی کولسیان برای نوشتن رساله افسسیان استفاده کنید. این بحث در محافل غیر انجیلی داغ است. به همین دلیل است که شما سخنرانی امروز من را دنبال می‌کنید.

اگر چیزی از نوشته‌های من که در انجمن ادبیات کتاب مقدس مورد بحث و ارائه قرار گرفته است را پیدا کردید، ممکن است دیدگاه من را در مورد این موضوع خاص ندانید، زیرا من قبل از اینکه اجازه دهم کوسه‌ها بیایند و مرا بخورند، آن را با دقت بررسی می‌کنم. فقط بدانید که هر چقدر هم که این موضوع ساده به نظر برسد، در تحقیقات علمی ساده نیست. و از آنجا که شما اهل مطالعه هستید و تصمیم گرفته‌اید که این کتاب را با ما یاد بگیرید، شایسته دانستن این موضوع هستید.

استدلالاتی مطرح شده است مبنی بر اینکه این نامه فاقد جنبه شخصی است. به نظر نمی‌رسد که به مسائل خاصی بپردازد. به نظر نمی‌رسد که فهرست بلندی از تبریکات و احوالپرسی‌ها داشته باشد.

و بنابراین پولس نمی‌توانسته این نامه را نوشته باشد. خیر. شخص دیگری آن را نوشته و برخی تا آنجا پیش می‌روند که می‌گویند چیزی بسیار جذاب است.

این با برخی از دیدگاه‌های دیگر در تضاد است. یکی از استدلال‌ها به این صورت است: افسسیان بسیار غنی است.

خیلی کلی است. به تمام مضامین الهیاتی پولس می‌پردازد. برخلاف کسانی که می‌گویند الهیات پولس را ندارد، به تمام مسائل کلیدی مطرح شده در رساله پولس می‌پردازد، تا جایی که در افسسیان در واقع کسی است که مقدمه‌ای بر تمام نامه‌های پولس می‌نویسد.

جالبه، درسته؟ آره. به نظرم می‌تونه این یه جورایی خوب باشه. یعنی اینکه اون شخص تمام نامه‌های پولس رو مطالعه کرده و گفته من ازشون خوشم اومده و دارم به تک تکشون ضربه می‌زنم.

اما روی دیگر این بحث این است که در واقع استدلالی را که در مورد فقدان الهیات پولس در افسسیان ارائه شده است، رد می‌کند. بگذارید کمی بیشتر در مورد مسائل مربوط به سبک به شما نشان دهم. وقتی محققان در مورد سبک به عنوان یک مسئله مهم صحبت می‌کنند، باید بدانید که سه مسئله اصلی در این میان مطرح است.

در افسسیان جملات طولانی‌تری وجود دارد. برای مثال، افسسیان فصل ۱، فکر می‌کنم از آیه ۳ یا ۴ تا حدود آیه ۱۳، یک جمله است. گاهی اوقات مطالب اضافی وجود دارد.

عباراتی مانند گناهان و خطاها تکرار می‌شوند. این نوع زبان‌ها باید بر برخی موارد تأکید کنند. برخی می‌گویند، آه، این سبک، سبک پولس نیست.

گاهی اوقات، ابهامات واژگانی و دستوری وجود دارد. و برخی می‌گویند، اوه، پولس این کار را نمی‌کرد. به همین دلیل است که برخی استدلال می‌کنند که پولس افسسیان را ننوشته است.

اما، به یاد داشته باشید که در یک سخنرانی قبلی به شما اشاره کردم که نوشتن نامه به معنای نوشتن با دست خودتان در همه زمان‌ها نیست. در واقع، خود پولس اشاره می‌کند که برخی از نامه‌های او توسط شخصی مانند تیموتائوس نوشته شده است. زیرا در مفاهیم باستانی نویسندگی، نویسنده می‌تواند کسی باشد که با دست خود نوشته است.

او می‌تواند کسی باشد که آن را کشف کرده و کسی آن را نوشته است. یا می‌تواند این کار را با همکاری نویسنده دیگری انجام داده باشد. ما این را در نوشته‌های پولس می‌بینیم.

ما می‌بینیم که پولس با سیلوانوس و تیموتائوس نامه می‌نوشت. یا نویسندگی با نام مستعار، که در آن کسی به نام نویسنده دیگری می‌نویسد، در دنیای باستان نیز رایج بوده است. با این حال، تنها نکته در مورد آن معمولاً شکاف بین نام، نویسنده خیالی، نویسنده‌ای که نامش روی نامه گذاشته می‌شود، و نویسنده اصلی است که بسیار زیاد نوشته شده است.

این بیست سال فاصله نیست. این پنجاه سال فاصله نیست. دو یا سه نسل باید بمرند و ندانند تا شما بتوانید بیابید اینجا و وانمود کنید که هستید.

بنابراین، در مفاهیم باستانی مربوط به نویسندگی، شما برخی از این موارد را دارید. و وقتی آنها صحبت می‌کنند، و برخی از محققان، نویسندگی پولس بر افسسیان را مورد بحث قرار می‌دهند، یکی از چیزهایی که باید در اینجا به آن توجه کنید این است که آنها می‌خواهند اصرار داشته باشند که افسسیان جعلی است. و گاهی اوقات، این مفهوم، اگرچه در برخی موارد ناخواسته است، اما به گونه‌ای به نظر می‌رسد که گویی آنها با گفتن اینکه پولس آن را ننوشته است، اعتبار افسسیان را زیر سوال می‌برند.

این ساختگی است. این مسیحیان خل و چل که به آن اعتقاد دارند و آن را کلام خدا می‌نامند چه کسانی هستند؟ نمی‌دانم آیا شما قبلاً این نوع دیدگاه را پذیرفته‌اید یا افرادی را دیده‌اید که چنین دیدگاه‌هایی داشته باشند، اما شما گفتید، اوه بله، این برای من منطقی است. برای من، برخی از آن منطقی است و برخی دیگر نه.

بنابراین، تا جایی که به دیدگاه‌های مربوط به نویسندگی در یک بیانیه واضح مربوط می‌شود، این دیدگاه‌ها وجود دارد. پولس آن را به همراه کولسیان، افسسیان و فیلیمون نوشت. و او سه نامه را با هم فرستاد.

دیدگاه دوم می‌گوید که یکی از شاگردان پولس، رساله افسسیان را نوشته است و آن را به عنوان یک بیان کلی از آموزه‌های پولس نوشته است. دیدگاه سوم می‌گوید که یکی از تحسین‌کنندگان پولس، افسسیان را بعداً در دهه ۹۰ میلادی نوشته است. در این مورد چه دیدگاهی را فرض می‌کنیم؟ قبلاً به شما اشاره کردم که من نویسنده این رساله را پولس می‌دانم، همانطور که در نامه آمده است.

من فرض می‌کنم که پولس این نامه را از زندان نوشته است. اما اگر پولس این را از زندان نوشته است، از کدام زندان نوشته است؟ این هم یک بحث دیگر است. برخی می‌گویند، اوه، او از افسس نوشته است.

او در افسس در زندان بود و برای مسیحیان افسس نامه می‌نوشت. خیلی جالب است. برخی هنوز هم می‌گویند که منظور قیصریه یا قیصریه است.

قیصریه. اما در بحث‌های مدرن، اکثر محققان به روم به عنوان یک مکان احتمالی اشاره می‌کنند. اینجاست که موضوع جالب می‌شود، زیرا هر چه بیشتر به روم اشاره کنیم، بیشتر ثابت می‌کنیم که پولس آن را نوشته است، و او آن را در زندان نوشته است.

بنابراین، ما این نامه را به عنوان نامه‌ای که توسط پولس از دوران حبسش در روم نوشته شده است، مانند سایر نامه‌هایی که در این مجموعه سخنرانی خاص در مورد آنها بحث می‌کنیم، در نظر می‌گیریم. پولس این نامه را خطاب به این منطقه خواهد نوشت. و همانطور که او این نامه را خطاب به این منطقه می‌نویسد، من از آنچه فرانک می‌خواهد در اینجا بگوید، خوشم می‌آید.

همکاری که احتمالاً فکر می‌کنید من او را بیش از حد دوست دارم، چون دوست دارم به او گوشزد کنم. پولس رساله افسسیان را نزدیک به پایان دو سال حبس خود در روم و تقریباً همزمان با کولسیان و فیلیمون نوشت. همچنین دوست دارم فرانک را وارد بحث کنم، زیرا فرانک یکی از جدیدترین تفاسیر افسسیان را نوشته است که ممکن است در آنجا بیابید.

در مورد بحث مقصد، باید توجه داشت که تا دهه ۱۸۰۰، این دیدگاه که نامه به افسس نوشته شده است، در تحقیقات مورد بحث قرار نگرفت. بنابراین، تقریباً ۱۸۰۰ یا ۱۷۰۰ سال طول کشید تا محققان بگویند که باید سؤالاتی برای طرح داشته باشیم. با این حال، باید به نکته بسیار مهمی توجه کنیم که کسانی که در مورد نامه نوشته شده به افسس بحث می‌کنند، باید به آن اشاره کنند.

عبارت افسس در پیش‌نویس یا مقدمه نامه در سه نسخه خطی بسیار مهم یافت نمی‌شود. این نسخه‌های خطی بسیار مهم در مطالعات عهد جدید هستند. کدکس واتیکان، کدکس سینایکوس و پاپیروس چستر بیٹی.

این واقعیت که آن عبارات، آن عبارت در افسس، یافت نمی‌شوند، این سؤال را مطرح می‌کند که این نامه دقیقاً کجا نوشته شده و چه زمانی آن سطر خاص از نامه حذف شده است. آیا به این دلیل است که در ابتدا وجود نداشته است زیرا این نسخه‌های خطی نسبتاً قدیمی هستند، یا اینکه در ابتدا وجود داشته است اما برخی افراد می‌خواستند که این نامه برای افراد بیشتری قابل استفاده باشد، بنابراین شروع به حذف آن سطر کردند. این شواهد بسیار محکمی است که سؤالاتی را برای ما ایجاد می‌کند تا در مورد اینکه آیا می‌توانیم ادعای مشخصی داشته باشیم که نامه به افسس به عنوان یک مقصد خاص نوشته شده است، بحث و بررسی جدی کنیم.

برخی از پدران اولیه کلیسا مانند اورینگن، باسیل، سیپریان و ایرنائوس از متنی که به آن اشاره می‌کنند به عنوان متنی که خطاب به افسس نوشته شده است، استفاده می‌کنند. با این حال، باید توجه داشت که هیچ نسخه

خطی برای پولس وجود ندارد. نسخه‌های خطی تأیید می‌کنند که این نسخه خطی در گردش وجود داشته است تا مردم چیزهایی را در آن وارد کنند و همه این‌ها، زیرا یکی از دیدگاه‌ها می‌گوید که شخصی رساله افسسیان را نوشته، آن را در افسس وارد نکرده و یک جای خالی گذاشته است، بنابراین اگر بخواهیم چنین نامه عمومی برای پوشش آموزه‌های پولس داشته باشیم، اگر بخواهیم آن نامه را به ونهام، ماساچوست بفرستیم، به ونهام، ماساچوست می‌رویم یا می‌خواهیم به لندن بفرستیم، هی، نامه پولس، این از پولس به مؤمنان در، مثلاً لندن است.

ما برای این موضوع پشتوانه‌ی دست‌نویس نداریم، و من این استدلال را، باید بگویم، می‌بینم، چون ما این سخنرانی را در بافت غربی ضبط می‌کنیم، و باید خیلی مراقب باشم که چطور این را بیان می‌کنم. اما به شما می‌گویم که معمولاً چطور آن را بیان می‌کنم. من آن را به عنوان یک ایده‌ی خیلی خیلی غربی مطرح می‌کنم. و منظورم از آن این است.

به نظر می‌رسید که این تصور حاکی از آن است که در زمان پولس، منابع فراوانی از کاغذ وجود داشته، مثلاً یک دستگاه چاپ، بنابراین شما کاغذهای بیشتری چاپ می‌کنید، فضا ایجاد می‌کنید، و وقتی یکی را به دست می‌آورید، فقط چیزی را در آن قرار می‌دهید. فراموش می‌کنیم که در دنیای باستان، این نسخه‌های خطی روی پوست حیوانات نوشته می‌شدند و تهیه آنها گران بود. چه کسی قرار بود مقداری از این را فراهم کند و جایی برای گفتن بگذارد، اوه، اگر کسی را به او بدهید، چیزی در آنجا قرار دهید؟

برخی از آنها تقریباً به عنوان چاپخانه، تقریباً به عنوان ذهنیت در نظر گرفته می‌شوند، اما چاپخانه تا قرن پانزدهم اختراع نشده بود. خب، ما داریم در مورد چه چیزی صحبت می‌کنیم؟ شما می‌خواهید بدانید که استدلال کردن اینکه بگوئیم، اوه، نامه به افسس نوشته شده است، خیلی خیلی آسان نیست. بیایید آن را همانطور که هست بپذیریم و ادامه دهیم. نه، زیرا تمام این مسائلی که اینجا برای شما مطرح می‌کنم، از نظر نحوه نگاه ما به آن بسیار حیاتی هستند.

می‌خواهم شواهدی در حمایت از وجود افسس به عنوان بخشی از یک نسخه خطی اصلی که کلینت آرنولد ارائه می‌دهد، ارائه دهم. بخش عمده‌ای از نسخه‌های خطی مهم، وجود افسس را به عنوان بخشی از یک نسخه خطی اصلی تأیید می‌کنند، حتی اگر برخی از نسخه‌های خطی قدیمی‌تر آن را نداشته باشند. ما نمی‌دانیم چرا آن را نداشته است، اما یک نسخه خطی قدیمی‌تر و قوی‌تر نشان می‌دهد که این بخشی از نسخه خطی بوده است.

بنابراین، بله، اگرچه استدلال دیگر معتبر است، اما پشتیبانی وجود دارد. تمام نسخه‌های دست‌نویس تمبر که ما در مورد افسسیان داریم، شامل نام افسس در سطر اول هستند. ایگناتیوس انطاکیه در اواخر قرن اول، مقصد افسسیان را تصدیق کرد.

بنابراین، این یک سوال جدی است که باید مطرح شود، اما نه چندان جدی، با توجه به اینکه کسانی که به آن زمان نزدیک‌تر بودند، قبلاً به این نامه نگاه کرده و گفته‌اند که وقتی نامه به عنوان پولس به عنوان رسول مسیح عیسی به خواست خدا برای مقدسینی که در افسس بودند، خوانده می‌شود، در واقع برای مقدسینی که در افسس بودند، در افسس در ابتدا بخشی از متن بود. یکی از چیزهایی که واضح است این است که من سعی می‌کنم یک عامل آشتی باشم، بنابراین دوست دارم از برخی از این موارد به عنوان یک آشتی‌دهنده بزرگ یاد کنم. دوست دارم در برخی از جلساتمان بگویم که بیایید سعی کنیم اینجا صلح برقرار کنیم و خط صلح این است.

هر دیدگاهی که داشته باشید، فقط می‌توانید استدلال کنید که نامه به اسماعیل غربی نوشته شده است. نمی‌توانید فراتر از آن استدلال کنید. فقط می‌توانید استدلال کنید که نامه به افسس یا یکی از شهرهای منطقه افسس در ترکیه امروزی نوشته شده است.

اثبات این موضوع بسیار دشوار است؛ در غیر این صورت، اثبات اینکه این نامه می‌توانسته در جای دیگری نوشته شده باشد، دشوار است. پس چرا برای ما اینقدر دشوار است که بپذیریم این نامه احتمالاً به افسس که شهری بزرگ بود، نوشته شده است، با این هدف که این نامه به کلیساهای سایر نقاط منطقه نیز، ارسال شود تا خوانده شوند و آنچه پولس به کلیساها می‌گوید، درک شود؟ به عبارت دیگر، چرا نمی‌توانیم بپذیریم که پولس این نامه را به مسیحیان افسس و مناطق اطراف آن می‌نوشت؟

فکر می‌کنم برای من منطقی است که چه پولس این را بگوید چه نگوید، آنها در هر صورت آن را منتقل خواهند کرد. بنابراین، گفتن اینکه نامه به اسماعیل غربی نوشته شده است، همه مشکلات را حل می‌کند، بدون اینکه این واقعیت را نادیده بگیرد که شواهد نسخه خطی، افسس را در متن تأیید می‌کند. بنابراین مقصد اصلی می‌تواند افسس باشد، اما هدف نهایی این است که نامه پخش شود.

به همین دلیل است که گاهی اوقات از این نامه به عنوان یک نامه سکولار به این معنا یاد می‌کنیم. با این حال، برخی از محققان مقاصد پیشنهادی متعددی را برای آن پیشنهاد می‌کنند. برخی معتقدند که این نامه همان نامه‌ای است که به لائودیکه در آسیای صغیر نوشته شده است.

برخی می‌گویند که خطاب به هیراپولیس در آسیای صغیر نوشته شده است. برخی می‌گویند که فقط خطاب به هیراپولیس نوشته شده است و نه لائودیسیا و هیراپولیس. برخی می‌گویند که فقط خطاب به کلان‌شهر افسس یا منطقه نوشته شده است.

برای من این مسئله‌ی مهمی نیست. نامه به افسس نوشته شده بود تا در مناطق وسیع‌تری منتشر شود. این موضوع تغییری ایجاد نمی‌کند، ببخشید، این موضوع زمینه‌ی ما را تغییر نمی‌دهد.

این درک ما از جغرافیا را تغییر نمی‌دهد. درک ما از زمینه مذهبی که پولس برای آن می‌نویسد را تغییر نمی‌دهد. تجربه مذهبی مردمی که پولس برایشان می‌نویسد را تغییر نمی‌دهد، زیرا تجربه مذهبی آنها یکسان خواهد بود.

خیلی خیلی سخت و شاید غیرممکن است که استدلال کنیم نامه‌ای از این نوع به آن بخش از آسیای صغیر می‌رود و در افسس فرود نمی‌آید. ارائه استدلال معکوس بسیار دشوار خواهد بود. بنابراین، بیایید فرض کنیم یا بپذیریم که این نامه به آسیای صغیر نوشته شده است. من شروع به بررسی پولس در افسس می‌کنم.

پولس حدود سه سال در افسس زندگی و خدمت کرد. افسس یک شهر معمولی نبود. جمعیت این شهر بین ۲۵۰ تا ۳۰۰۰۰۰ نفر بود.

در دنیای باستان، این شهر یکی از سه شهر بزرگ، تنها در کنار روم و اسکندریه در مصر بود. بنابراین به این شهر بزرگ فکر کنید. پولس نامه‌ای خواهد نوشت که به این شهر خواهد رفت.

همانطور که قبلاً با نقشه به شما نشان دادم، این یک شهر بندری بود و بنابراین با وجود بندرگاه در آنجا، فعالیت تجاری بالایی در شهر وجود داشت. به شهرهای بندری فکر کنید. همچنین مرکز دین و فرهنگ بود.

شهرهای بندری، شهرهایی هستند که اگر در آنها زندگی نکرده باشید، درک آنها کار ساده‌ای نیست. اما به برخی از شهرهای بندری که می‌شناسید فکر کنید. به سن دیگو فکر کنید

به شهر نیویورک فکر کنید. به برخی از این مکان‌ها فکر کنید، اما شما نمی‌خواهید برخی از اتفاقاتی را که شب‌ها در برخی از این شهرها رخ داده است، بدانید. به عنوان یک پسر جوان در دهه بیست زندگی‌ام، اولین کلیسایی که به کشیش سپرده شدم در شهر بندری غنا، تما، بود.

اگر شما یک کشیش ارشد هستید که این مجموعه آموزشی را دنبال می‌کنید، ممکن است شما را تشویق کنم که همکاران جوان خود را به چنین شهرهایی نفرستید. در ابتدا چالش برانگیز بود. افسس یک شهر بندری بود.

فعالیت‌های تجاری پر جنب و جوش، محیط مذهبی، فعالیت‌های مذهبی بسیار زیاد، همانطور که چند دقیقه دیگر به شما اشاره خواهم کرد. پولس به آنجا رفت. او خدمت کرد

او آنجا ماند. او گاهی اوقات برای به اشتراک گذاشتن انجیل با مردم به آنجا می‌رفت. اتفاقات قابل توجهی در مدت اقامتش در آنجا رخ داد.

بله، تجارت در آنجا اهمیت زیادی داشت. فرهنگ در آنجا اهمیت زیادی داشت. وقتی به آنجا می‌رسیم، شاهد اتفاق بزرگی در این زمان در افسس هستیم.

افسس یک شهر مذهبی پر جنب و جوش بود. اجازه دهید توجه شما را به این واقعیت جلب کنم که در تمدن غربی امروزی، این تصور وجود دارد که مذهبی بودن به معنای کم‌هوش بودن است. این مفهوم در دنیای باستان وجود نداشت.

من هیچ یک از فیلسوفان بزرگ را که مذهبی نبودند، نمی‌شناسم. بخشی از تحقیقات من مطالعه آثار فیلسوفان باستان و مقایسه آنها با آثار پولس، به ویژه در چارچوب آمورا است. گاهی اوقات از دیدن اینکه چگونه فیلسوفان رواقی، به ویژه، یکی از تیزترین گروه‌های فکری جهان باستان بودند و چقدر مذهبی بودند، شگفت‌زده می‌شوم.

من همچنین گاهی اوقات از پیدا کردن و خواندن اسنادی در مورد برخی از این فیلسوفان و نحوه رفتار آنها شگفت‌زده می‌شوم. به عنوان مثال، برخی از آنها گاهی اوقات عصرها دور هم جمع می‌شوند و گالنه‌های شراب می‌آورند و سعی می‌کنند ببینند چه کسی می‌تواند اول یک گالن شراب را تمام کند. اوه، بله، افراد باهوش هم این کار را می‌کنند.

آنها بسیار مذهبی هستند. و بنابراین، شما افرادی باهوش و در عین حال عمیقاً مذهبی دارید که در افسس و منطقه وسیع‌تر زندگی و اقامت دارند. می‌خواهم به شما بگویم که صحبت کردن در مورد خداناباور بودن چیزی نیست که مردم در مورد آن صحبت کنند؛ حتی وقتی در مورد فیلسوفانی مانند اپیکوریان و دیگران فکر می‌کنیم، نوعی تمایل و چالش نسبت به فعالیت‌های مذهبی می‌بینیم.

در واقع نمی‌توانید آنها را به خودی خود ملحد بدانید. دین بخشی از فرهنگ بود و فعالیت فکری از دین جدا نبود. مذهبی بودن و باهوش بودن می‌توانستند دست در دست هم داشته باشند، برخلاف تفکر مدرن ما که اگر بخواهیم به افراد مذهبی نگاه تحقیرآمیز داشته باشیم، می‌گوییم، اوه، آنها مذهبی هستند؛ آنها باهوش نیستند؛ آنها افراد احمق هستند.

اینطور نبود. این یک ساخت و ساز پس از عصر روشنگری بود. در افسس باستان، الهه مادر، خدای حامی شهر، آرتیمیس بود، آرتیمیس افسسیان.

آرتیمیس خدای مادری بود که زیارتگاه و آیین‌های مذهبی‌اش بخشی از فرهنگ شهر را تشکیل می‌داد. برای شما مثالی می‌زنم. یک راهپیمایی معمول وجود داشت که از یک مکان خاص هدایت می‌شد و تا زیارتگاه آرتیمیس ادامه می‌یافت.

در این مورد خاص، این در آیین گذار پسران جوان از کودکی به مردانگی گنجانده شده است. از طرف دیگر در معبد آرتیمیس، زنان جوانی وجود خواهند داشت که خود را وقف این الهه مادر کرده‌اند و پیش‌بینی می‌کنند که با کمک آرتیمیس، بتوانند اشراف‌زادگانی را پیدا کنند که با آنها ازدواج کنند. بنابراین، به یک آیین گذار فکر کنید و این واقعیت که به عنوان یک مسیحی، اگر در این آیین گذار شرکت نکنید، مشکلی دارید.

تصور کنید زن جوانی هستید که می‌خواهد با کسی خوب ازدواج کند. در این زمینه، این فرد می‌تواند عمدتاً یک نظامی، یک افسر نظامی و گاهی اوقات یک تاجر باشد. و این واقعیت که این موضوع جالب نیست زیرا نمی‌توانید منتظر آرتیمیس، الهه مادر افسس، باشید تا به شما کمک کند تا بتوانید آن شوهر شایسته را به شما بدهد.

آرتیمیس و معبد آرتیمیس بسیار عظیم بودند؛ آنها بانک‌های شهر بودند. مردم پول خود را آنجا نگه می‌داشتند. فعالیت‌های تجاری زیادی در آنجا انجام می‌شد.

توجه شما را به کتاب اعمال رسولان جلب می‌کنم که در آن، به دلیل گردشگری و فعالیت‌های تجاری در شهر، برخی از مردم با ساختن مجسمه‌ها، یا به عبارت دیگر، تصاویر، تجارت بزرگی را آغاز کردند. من سعی داشتم یک کلمه انگلیسی برای مجسمه کوچک یا چیزی شبیه به آن، تصویر آرتیمیس در اشکال کوچکتر بگویم تا افرادی که وارد می‌شوند بتوانند آنها را بخرند. وقتی از زیارتگاه بازدید می‌کنند، به اصطلاح قدرت زیارتگاه را در آنجا تجربه می‌کنند و سپس این نماد را با خود می‌برند. و کسی خیلی ناراحت خواهد شد زیرا کسی که آن تجارت را انجام می‌دهد، مسیحی خواهد شد و دیگر این کار را نخواهد کرد.

و قرار نیست کسی خوشحال باشد. لوک به ما خواهد گفت. کمی بعد به بخشی از آن خواهیم پرداخت.

فضای مذهبی، رقابتی کثرت‌گرایانه بود. ادیان و زیارتگاه‌های بسیار زیادی در افسس وجود داشت. با این حال، نفوذ فراگیر آرتیمیس را نمی‌توان نادیده گرفت.

او خدای حامی بود. همه خدایان شهر با او قابل مقایسه نیستند. ما می‌دانیم که باستان‌شناسان مدرن از شمارش تا ۵۰ زیارتگاه بت‌پرستان مختلف در شهر باستانی افسس صحبت می‌کنند.

این تعداد معبد بت‌پرستان در شهر بود. دین همه جا و در هر مکانی حضور داشت. او، فکر می‌کنی دین به تنهایی؟ من کتابی با این حجم دارم.

به آن پاپیروس جادویی یونانی می‌گویند. جادو رایج بود. آنها دوست داشتند از جادو استفاده کنند، و همانطور که در چند لحظه آینده خواهیم دید، پولس در واقع قرار است در این شهر خدمت کند.

بعضی از مردم مسیحی می‌شوند، و در واقع، آنها محکوم می‌شوند، و کتاب‌های جادویی گران‌قیمت خود را می‌دهند تا سوزانده شوند، نابود شوند. این همان شهری است که ما اینجا در مورد آن صحبت می‌کنیم. این نامه به شهری خواهد رفت که شما در مورد تاریکی معنوی در آن صحبت می‌کنید.

واقعی بود. طالع بینی هم خیلی رایج بود. در واقع، طالع بینی در حدود قرن اول همه جا رواج داشت.

سیاستمداران و افراد رده بالا، طالع‌بینان ماهرتری بودند تا بتوانند به آنها بگویند که امروز قرار است چه کاری انجام دهند و در نهایت اوضاع چگونه پیش خواهد رفت، و در مورد افسس نیز همینطور بود. شواهد قانع‌کننده است. کلینت آرنولد تحقیقات گسترده‌ای در این مورد انجام داده است و آنچه او در مورد این شهر خاص و فضای مذهبی آن یافته است، شگفت‌انگیز است.

در این بستر است که مسیحیت وجود خواهد داشت. مردمی که به خدای واحد ایمان دارند، مردمی که معتقدند همه این خدایان بت‌پرست بی‌فایده هستند و باید خود را جدا کرده و خداوندی عیسی مسیح را بپذیرند. آنها باید برای همه حملات جادویی، تأثیرات طالع‌بینی در اطرافشان، فعالیت‌های بت‌پرستانه و عدم پذیرش اینکه قادر به شرکت در برخی از مراسم مذهبی نیستند، آماده باشند.

این وضعیت در افسس است. من به نکته جالبی هم توجه می‌کنم. نوع معابد بت‌پرستان که آنجا بودند

آنجا زیارتگاهی برای آسکلپیوس، خدای پزشکی، وجود داشت. باستان‌شناسان زیارتگاهی از این مورد پیدا کردند. این همان زیارتگاه است.

این بیمارستان دنیای باستان است. در معبد آسکلپیوس، شما از هر دو روش مذهبی و شیطانی برای درمان بیماری‌ها استفاده می‌کنید. به عبارت دیگر، اگر شما یک مسیحی ساکن افسس هستید و بیمار هستید، فقط امیدوارید که خداوند به شما رحم کند و شما را شفا دهد.

آنجا زیارتگاهی برای الهه برداشت محصول، شراب و دیمتر وجود داشت. این الهه است و من فقط می‌خواهم برخی از آیین‌های این زیارتگاه را به شما یادآوری کنم. یکی از آیین‌های این زیارتگاه کشتن حیوانات و خوردن گوشت خام با شراب است.

اعتقاد بر این است که هر چه بیشتر بنوشید، بیشتر از قدرت این خدا سرشار می‌شوید. بنابراین، وقتی پولس بعداً در افسسیان می‌گوید، از شراب مست نشوید. از روح پر شوید.

این افراد، آنها درک می‌کنند. آرتمیسی افسسیان. من کمی آن را برای شما ذکر کردم.

این خدای حامی نفوذ زیادی داشت، و همانطور که قبلاً گفتم، در این شهر آسکلپیوس و آفرودیت، الهه عشق را دارید. به این فکر کنید که شهر و همه این اتفاقات چگونه است. به بی‌بندوباری جنسی در این شهر فکر کنید.

به تمام مسائلی که پیش خواهد آمد فکر کنید. به این فکر کنید که زندگی به عنوان یک مسیحی و داشتن یک زندگی پاک به چه معناست. چیزی به نام افسسیا گراماتا وجود داشت.

افسسی گراماتا شش کلمه جادویی در دنیای باستان بودند. و آنها به قدری قوی و قدرتمند شناخته می‌شوند که مردم از نقاط مختلف جهان مایل به دسترسی به افسسی گراماتا هستند. به عبارت دیگر، کلمات افسسی برای انجام جادو.

و این برای این است که به شما سرنخی بدهم که جادو چقدر در افسس رواج داشته است. اگر کنجکاو هستید که بدانید این کلمات چیستند؟ به من قول بدهید که از آنها استفاده نکنید. اینها کلمات هستند.

اوه، نه. آسکلئون، کاتاسکلون، لیکس، تتراکس، دارمینئوس، آیسئون. اینها شش کلمه جادویی هستند که به آنها افسسیا گراماتا می‌گویند.

این در دنیای باستان شناخته شده بود. و این برای یادآوری به ماست که هنگام مطالعه عهد جدید، جادو، واقعاً رایج بوده است. وقتی به مسیحیت فکر می‌کنید و به جنگ معنوی می‌اندیشید، فقط برای یک دقیقه سعی نکنید خودتان را متقاعد کنید که زمینه کسانی که قرار است افسسیان را بخوانند، زمینه‌ای مانند این بوده است که چه کسی به ارواح شیطانی اهمیت می‌دهد؟ چه کسی اهمیت می‌دهد؟ در پاپیروس‌های جادویی یونانی، برخی از مردم از جادو برای افسون کردن خانم‌های زیبا برای عشق استفاده می‌کردند.

خب، تصور کنید یک خانم جوان هستید و پوشش محافظی ندارید. زنان از جادو استفاده می‌کنند تا بتوانند کاری کنند شوهرانشان بیشتر دوستشان داشته باشند. اوه، بله.

ما سوابقی از ورزشکارانی داریم که سعی می‌کردند از جادو برای پیروزی در برخی از مسابقات خود استفاده کنند. بله. بنابراین، وقتی پولس گفت ما با جسم و خون نمی‌جنگیم، قبل از اینکه حتی به کتاب نگاه کنیم، خودتان را در آن زمینه در نظر بگیرید.

کلینت آرنولد توجه ما را به این موضوع جلب می‌کند. چند منبع باستانی داستانی از یک کشتی‌گیر افسسی را نقل می‌کنند که در بازی‌های المپیا رقابت می‌کرد و حروف افسسی، یعنی حروف افسسی گراماتا، را به عنوان طلسم به مچ پاهایش بسته بود. او در مسابقه خود برنده بود تا اینکه طلسم برداشته شد و سپس سه باخت متوالی را تجربه کرد.

اگر دارید این را می‌خوانید، چه چیزی به شما می‌گوید؟ اوه، دنیای باستان، جادو کار می‌کند. جادو به شما کمک می‌کند تا پیروز شوید. و اگر خوب عمل نکنید، جادو می‌تواند شما را به شکست نیز بکشد.

بنابراین، تا جایی که به بت‌پرستی مربوط می‌شود، این یک فضای مذهبی است. همچنین می‌خواهم توجه شما را به این نکته جلب کنم که در این شهر یهودیانی هم زندگی می‌کردند. تعداد قابل توجهی یهودی وجود داشت.

جمعیت یهودیان در این منطقه بسیار زیاد بود. یهودیان در افسس در این زمان از امتیازات زیادی برخوردار بودند. در واقع، ما همچنین شواهدی داریم، اگرچه آزمون‌های جادویی که من مطالعه می‌کنم نشان می‌دهد که برخی از یهودیان نیز به جادو روی آورده‌اند.

آنها فکر می‌کردند این اسم باحال است. حالا، جای تعجب نیست که در کتاب اعمال رسولان چیزی می‌بینید که خیلی خیلی جالب خواهد بود، اینکه پسران اسکيواء، فرزندان یک کاهن اعظم یهودی، وقتی نام عیسی را شنیدند، فکر کردند که این یک اسم جادویی است. بنابراین آنها از آن استفاده خواهند کرد.

و نتیجه خوبی نداشت. یوسفوس حضور یهودیان در افسس را به ما یادآوری می‌کند. او در کتاب «آثار باستانی ۱۴» می‌نویسد، هایاسینت همچنین یکی از این سفیران را نزد دولابلا، که فرماندار آسیا بود، فرستاد و از او خواست که یهودیان را از خدمات نظامی مرخص کند و رسم اجدادشان را برای آنها حفظ کند و به آنها اجازه دهد طبق آنها زندگی کنند.

و هنگامی که دولابلا نامه هایاسینت را دریافت کرد، بدون هیچ گونه تأمل بیشتر، نامه‌ای به تمام آسیایی‌ها و به ویژه به شهر افسس، کلان‌شهر آسیا، در مورد یهودیان فرستاد که نسخه‌ای از آن نامه در اینجا آمده

است. به عبارت دیگر، یوسفوس داده‌هایی را در اختیار ما قرار می‌دهد که می‌گوید یهودیان زیادی در این منطقه وجود داشتند و به یهودیان به دلیل اعتقادات و آداب و رسوم مذهبی‌شان امتیازات و امتیازاتی داده می‌شد. ما در افسس زیاد در مورد دین صحبت کرده‌ایم.

خب، بیایید به سراغ فرهنگ سرگرمی برویم چون در کتاب مقدس ما آمده است. این یک تئاتر در افسس در زمان پولس بود. تئاتری که احتمالاً حدود ۲۵۰۰۰ نفر گنجایش داشت.

حالا که با زمینه افسس آشنا شدید، و تصویری از چگونگی شکل شهر، جمعیت، یهودیان و غیریهودیان بین قومی در این شهر، فعالیت‌های بت‌پرستان، حدود ۵۰ معبد بت‌پرستان در شهر، فعالیت‌های جادویی، طالع‌بینی و همه اینها دارید. حالا که اینها را فهمیدید و فهمیدید که جنبه سرگرمی داشته، که تئاتر هم داشته، حالا کتاب مقدس خود را بردارید یا این را با من از کتاب اعمال رسولان بخوانید تا بتوانیم زمینه افسس را درک کنیم. لوقا اینگونه به ما می‌گوید که پس از این، پولس روزهای بیشتری در آنجا ماند و سپس برادران را ترک کرد و به سمت سوریه حرکت کرد.

و با او، پریسیلا و آکیلا، موهای خود را کوتاه کرده بود. او نذر کرده بود و آنها به افسس آمدند و او آنها را در آنجا گذاشت. اما خودش به کنیسه رفت و با یهودیان مباحثه کرد.

به عبارت دیگر، آنجا حضور یهودیان وجود داشت. وقتی از او خواستند که مدت بیشتری بماند، او «نپذیرفت. اما هنگام خداحافظی گفت:» اگر خدا بخواهد، پیش شما برمی‌گردم.

و او از افسس با کشتی حرکت کرد. و اتفاق افتاد که در حالی که آپولوس در قرن‌تس بود، پولس از سرزمین داخلی عبور کرد و به افسس رسید. لوقا می‌نویسد، در آنجا شاگردانی یافت و از آنها پرسید: آیا وقتی ایمان آوردید، روح القدس را یافتید؟ و آنها گفتند: نه، ما حتی نشنیده‌ایم که روح القدس وجود دارد.

به آیه ۶ می‌رسیم، وقتی پولس دست خود را بر آنها گذاشت، روح القدس بر آنها نازل شد و آنها شروع به صحبت به زبان‌ها و نبوت کردند. در مجموع حدود ۱۲ مرد بودند. فصل ۱۹، آیه ۱۱ به بعد، و خدا به دست پولس معجزات خارق‌العاده‌ای انجام می‌داد، به طوری که حتی دستمال‌ها یا پیشبندهایی که او لمس کرده بود و پوست او را لمس کرده بود، برای بیماران برده می‌شد و بیماری‌های آنها از بین می‌رفت و روح پلید از آنها خارج می‌شد.

همه اینها در افسس بود. و به این نگاه کنید. برخی از جن‌گیران دوره‌گرد یهودی، نام عیسی را بر کسانی که ارواح پلید داشتند، فرا خواندند و گفتند: «من شما را به نام عیسی که پولس او را موعظه می‌کند، احضار می‌کنم.»

پسران اسکیاوا، کاهن اعظم یهودی، این کار را می‌کردند. اما روح پلید به آنها پاسخ داد: «من عیسی را می‌شناسم و پولس را می‌شناسم، اما شما کیستید؟» «و مردی که روح پلید در او بود، بر آنها حمله کرد، بر همه آنها مسلط شد و آنها را مغلوب ساخت، به طوری که آنها برهنه و زخمی از آن خانه فرار کردند. وای!

و این بر همه ساکنان افسس، چه یهودی و چه یونانی، آشکار شد. من به شما گفتم که آنها هم یهودی و هم یونانی بودند. و ترس بر همه آنها مستولی شد و نام خداوند عیسی مسیح مورد ستایش قرار گرفت و تعدادی از کسانی که جادوگری می‌کردند، کتاب‌های خود را آوردند، من در مورد جادوگری به شما گفتم و آنها را در مقابل همه سوزاندم.

آنها ارزش آنها را شمردند و دریافتند که به ۵۰۰۰۰ سکه نقره رسیده است. بنابراین، کلام خداوند همچنان در حال افزایش و رواج بود. من سعی کردم شما را به مسابقه افسس بیاورم و تا اینجا در مقدمه‌مان بر افسسیان ثابت کرده‌ام که پولس افسسیان را نوشته است، هرچند موضوع نویسنده مورد بحث است.

همچنین برای شما توضیح دادم که معتقدم پولس رساله به افسسیان را خطاب به افسس و مناطق اطراف آن نوشت. من به شما در مورد رقابت، رقابت اجتماعی، تجاری، مذهبی و سیاسی افسس یادآوری کردم، افسس شهری بندری، شهری پر جنب و جوش، پر از فعالیت‌های مذهبی، بت‌پرستی در همه جا، فعالیت‌های جادویی و جادوگری بود.

و توجه شما را به این واقعیت جلب می‌کنم که در این رقابت، پولس زمان قابل توجهی را صرف خدمت کرد. یهودیان اینجا بودند. غیریهودیان اینجا بودند.

و از روایت لوقا در کتاب اعمال رسولان، احتمالاً متوجه شده‌اید که لوقا به شما یادآوری می‌کند که افسس در واقع شهری بزرگ بود. یهودیان و غیریهودیان در آنجا بودند. فعالیت‌های بت‌پرستانه‌ای نیز در آنجا وجود داشت.

حتی جن‌گیرهای حرفه‌ای بودند که برای بیرون راندن شیاطین از مردم به این طرف و آن طرف می‌رفتند. و آنها فکر می‌کردند می‌توانند این کار را به نام عیسی مسیح انجام دهند تا اینکه با مردی روبرو شدند که آنها را کتک زد. کتاب مقدس می‌گوید که آنها برهنه فرار کردند.

خبر خوبی نیست. همانطور که به این مسابقه فکر می‌کنید، به این کتاب به نام افسسیان فکر کنید. و من از شما می‌خواهم که قبل از اینکه به بحث بعدی در مورد افسسیان برگردیم، با در نظر گرفتن این پیشینه، شش فصل افسسیان را در یک جلسه بخوانید.

و وقتی برگردیم، از آنجا شروع می‌کنیم و به بررسی این مطالب غنی که برای مسیحیان در چنین رقابت چالش‌برانگیز و در عین حال هیجان‌انگیزی نوشته شده است، خواهیم پرداخت، جایی که می‌توان خدا را جلال داد، جایی که قدرت خدا را می‌توان واقعاً دید، جایی که مردم شاهد انجام کارهای بزرگ توسط خدا خواهند بود، نه تنها همانطور که در کتاب اعمال رسولان ثبت شده است، بلکه همانطور که پولس با اطاعت از آنچه به کلیسا می‌نویسد، پیش‌بینی می‌کند. از شما برای شروع این سخنرانی‌ها در مورد افسسیان متشکرم. امیدوارم از آن لذت ببرید و واقعاً عاشق این کتاب شوید.

دوباره از شما متشکرم. خدا شما را حفظ کند.

من دکتر دن دارکو هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد رساله‌های زندان. این جلسه ۱۸، مقدمه‌ای بر افسسیان است.